

نگاهی نو به فضیلت اعتکاف از دیدگاه قرآن و اهل بیت

محمد جواد حسنی *

چکیده

اعتکاف، عبادتی پرفضیلتی است. که تعبد و اخلاص از ارکان اصلی آن، به شمار می‌آید. این نوشتار، فضیلت اعتکاف را از بررسی متون قرآنی، حدیثی و گزارش‌های تاریخی، پی می‌گیرد؛ همچنین در پی پاسخ به این پرسش است که: آیا هدف از تشریع این عبادت فقط کسب ثواب است یا فراتر از پاداش و ثواب اخروی مورد نظر است؟ متون دینی علاوه بر تبیین فضیلت اعتکاف، با روش‌های دیگر نیز اهمیت موضوع را نشان دادند. مقاله حاضر می‌خواهد، با ترکیب متونی که به طور مستقیم و غیرمستقیم به بیان دیدگاه دین درباره اعتکاف پرداخته‌اند، نگاهی نو به این موضوع را سامان دهد و آن را از عمل عبادی دارای ثواب اخروی خارج کرده و آثار معنوی آن را در زندگی معتکفان نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: اعتکاف، رهبانیت، مسجد، سیره پیامبر، معارف قرآن و حدیث.

اعتکاف، عبادتی مستحب است که با نذر و امثال آن واجب می‌شود.^۱ این عمل، در ادیان گذشته نیز سابقه داشته و در منابع اسلامی فضیلت فراوانی برای آن شمرده شده است. روح این عبادت در همه ادیان، دوری از مظاهر دنیا و قرار گرفتن در مکانی محدود به منظور عبادت خالصانه پروردگار است. در چند آیه از قرآن کریم این موضوع طرح شده و بیان جزئیات آن به سنت محول شده است.

اعتکاف یکی از مظاهر عرفان اسلامی و زهد مشروع است که با راهنمایی معصومان، اصحاب ایشان و فقهای شیعه از تحریف و بدعت حفظ شده است. امروزه عرفان‌های ساختگی و زهد‌های ظاهری گسترش یافته و گاه، لباس اسلامی می‌پوشند. در این شرایط بررسی نمادهای حقیقی عرفان و زهد اسلامی، که به تبیین جایگاه عبادت و رابطه صحیح بین خلق و خالق می‌انجامد، ضروری است. بر این اساس، هدف این نوشتار، تبیین جایگاه و فضیلت اعتکاف در اسلام است و مأموریت آن نگرشی نوبه روایات این موضوع و دسته‌بندی کاربردی احادیث آن متناسب با نیاز روز است. یکی از بهره‌های مقاله حاضر، ترغیب به اعتکاف و افزایش معرفت اهالی اعتکاف درباره این عمل مهم عبادی است. ارائه نکاتی درباره پیشینه اعتکاف و بررسی تفسیری آیات اعتکاف، از دیگر فواید این نگاشته است.

تاکنون آثار خوب و متعددی درباره اعتکاف به چاپ رسیده است که برخی همانند *باب‌الاعتکاف* به جمع‌آوری روایات در منابع حدیثی پرداخته و بعضی دیگر بُعد فقهی آن را لحاظ کرده‌اند.^۲ ویژگی نوشتار حاضر، نگاه تحلیلی به آیات و روایات و تلاش برای ارائه معارف کاربردی این موضوع است. این بررسی پس از جستجو در منابع مکتوب و الکترونیک و گردآوری یادداشت‌های متعدد و نسبتاً جامع از آیات، احادیث و گزارش‌های تاریخی صورت گرفت. نگاهی به متون اسلامی غیرشیعی

۱. أَنَّ الْاِعْتِكَافَ فِي أَصْلِهِ مَنْدُوبٌ إِلَيْهِ غَيْرُ وَاجِبٍ بِدُونِ النَّذْرِ وَ شَبَّهَهُ (تَذَكُّرَةُ الْفُقَهَاء، ج ۶، ص ۲۸۴).

۲. نگاشته‌هایی مانند: خلوت انس اثر سید حمیدرضا محمود نژاد، اعتکاف/ابرار نوشته گروهی از پژوهشگران مؤسسه فرهنگی دارالهدی، اعتکاف، سنتی محمدی نوشته رحیم نوبهار در شیعه و جامع الاحادیث الصحیحة فی الصیام والقیام والاعتکاف اثر حمدی حامد صبح و قیام رمضان فضله و کیفیة ادائه و مشروعیة الجماعة فیه و معه بحث قیم من الاعتکاف البانی، محمد ناصرالدین در اهل سنت از کتاب‌های ارزشمند در این موضوع هستند.

نیز برای تأیید مباحث در دستور کار بوده است. در این مقاله پس از مفهوم‌شناسی اعتکاف و واژگان مشابه، جایگاه و پیشینه آن بررسی شده و سپس آیات مربوط، تحلیل می‌شوند. آن‌گاه فضیلت اعتکاف از دیدگاه احادیث با نگاهی تحلیلی بررسی می‌شود.

مفهوم‌شناسی اعتکاف

اعتکاف از ماده «عکف» است. صاحب معجم مقاییس اللغة برای ریشه «ع ک ف» اصل معنایی قرار داده که بر مقابله و حبس دلالت دارد.^۱ خلیل فراهیدی در العین آن را به توقف و ثبوت در مکانی معنا کرده^۲ و ابن منظور معنای مقیم شدن در مکان یا در کنار شیئی را ذکر کرده است که در حقیقت، برگرفته از همان ریشه «حبس» است.^۳ مؤلف مصباح المنیر نیز معنای مواظبت و مراقبت را بیان کرده است.^۴ با جمع بندی اقوال و بررسی استعمالات روشن می‌شود که در همه مستعملات لغوی مشتق از «عکف»، معنای «ملازمت» و «حبس» وجود دارد. معانی دیگر مانند: اقبال، اقامت، مواظبت و توقف که لغویون بیان کرده‌اند، مصادیق استعمالی معنای اصلی است که در همه آن‌ها نوعی ملازمت وجود دارد.

مفاهیم دیگری همچون «عزلت» و «خلوت نشینی» با معنای لغوی اعتکاف بی‌ارتباط نیستند؛ فردی که مسلک گوشه‌نشینی و عزلت اختیار می‌کند، به نوعی خود را در مکانی محبوس کرده و ملازم آن مکان شده است.^۵ اما این مفهوم با آنچه از معنای اصطلاحی اعتکاف در اسلام وجود دارد، متفاوت است. «اعتکاف» در

۱. ماده عکف: العین و الکاف و الفاء أصل صحيح يدل على مقابلة و حبس. يقال: عَكَفَ يَعْكَفُ وَ يَعْكَفُ عَكَوفاً، وَ ذلِكَ إِقبالُكَ عَلَى الشَّيْءِ لَا تَنصَرِفُ عَنْهُ... يقال: ما عَكَفَكَ عَنْ كَذَا، أَيْ ما حَبَسَكَ. قال الله تعالى: وَالْهَدْيُ مَعْكُوفاً أَنْ يَبْلُغَ مَجْلَهُ (فتح: ۲۵)، (معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۱۰۸).

۲. العین، ج ۱، ص ۲۰۵، ماده عکف.

۳. قوله تعالى: يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ (اعراف: ۱۳۸) أَيْ يُقِيمُونَ؛ وَ مِنْهُ قَوْلُهُ تَعَالَى: ظَلَّتْ عَلَيْهِ عَاكِفاً (طه: ۹۷) أَيْ مُقِيماً: (لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۵).

۴. عَكَفَ: عَلَى الشَّيْءِ (عَكَوفاً) وَ (عَكَفاً) مِنْ بَابِ قَعَدَ وَ ضَرَبَ لَأَزْمَهُ وَ وَاظَبَهُ وَ قُرِئَ بِهِمَا فِي السَّبْعَةِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ (المصباح المنیر، ج ۲، ص ۲۴۲).

۵. وقال بعض المحققين: الخلوة عبارة عن تفرد العبد في موضع يخلو فيه عن جميع الشواغل بما سوى الله من المحسوسات الظاهرة والباطنة، ويصرف فيه همته ونيتته إلى الإقبال على الله والتبذل إليه بكلية، فيحصل له الانس به والوحشة من غيره (رياض السالكين، ج ۴، ص ۲۱۱).

اصطلاح چنین تعریف شده است: «ماندن در مسجد برای عبادت همراه با قصد تقرب به خداوند.»^۱ از جمله قیودی که در تعریف اعتکاف مورد توجه و تأکید شیعه و سنی قرار گرفته، «بودن در مسجد» و «قصد قربت» است. در مفاهیمی مانند: خلوت نشینی و عزلت از دنیا و مردم، این دو قید همیشه همراه یکدیگر نیستند و این، ویژگی اعتکاف اسلامی است.

مفهوم دیگری که با اعتکاف شباهت دارد «رهبانیت» است که بعد از حضرت عیسی علیه السلام در مسیحیت به وجود آمد.^۲ ریشه این کلمه از «رهب» به معنای خوف است و راهب کسی است که از عقوبت خداوند بیم دارد.^۳ ممکن است وجه شباهت رهبانیت مسیحی با اعتکاف اسلامی در اقامت و ملازمت با معابد و محروم کردن نفس از برخی لذت‌های دنیا باشد، اما یکی از تفاوت‌های راهب مسیحی با معتکف مسلمان این است که راهب، رهبانیت را مسلک و پیشه خود برگزیده است، اما مسلمانان برای زدودن پلیدی‌هایی که بر نفسشان عارض می‌شود، مدتی را با خدای خویش خلوت می‌کنند و پس از آن با بهره‌های معنوی‌ای که از اعتکاف برده‌اند، دوباره به محیط زندگی بازمی‌گردند.

جایگاه اعتکاف در میان عبادات

در قرآن و سنت تأکید فراوانی بر پای بندی مردم به اعمال عبادی دیده می‌شود، تا جایی که عمل به اوامر الهی به عنوان وجه تمایز «مؤمن» با «مسلمان» معرفی شده است.^۴ عبادات، بخشی از احکام اسلام را تشکیل می‌دهد و تفاوت آن با معاملات در توقیفی بودن عبادات است. توقیفی بودن به این معناست که انجام و چگونگی عبادت، متوقف بر امر شارع است.^۵ همه فقها عبادت بودن عمل را متوقف بر بیان شریعت دانسته‌اند. آیت الله وحید بهبهانی رحمته الله می‌گوید: «علما بر توقیفی بودن عبادات اتفاق نظر

۱. رک: الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت، کتاب الصیام، ج ۱، ص ۷۵۵.

۲. ن.ک: وَ رَهْبَانِيَّةٌ ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَائِهَا (حدید، آیه ۲۷)

۳. رَهْبٌ رَهْبَانِيَّةٌ مِنْ بَابِ تَعَبٍ خَافَ وَ الْاسْمُ الرَّهْبَةُ فَهُوَ زَاهِبٌ مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَرْهُوبٌ وَ الْأَصْلُ مَرْهُوبٌ عِقَابُهُ وَ الزَّاهِبُ غَائِبٌ النَّصَارَى مِنْ ذَلِكَ وَ الْجَمْعُ رُهْبَانٌ (المصباح المنیر).

۴. رک: کافی، ج ۲، ص ۳۸.

۵. «...لأن العبادات توقيفية يجب تلقيها من الشارع فمتى لم يكن معهودا منه لم يحصل به الامتثال...» (فخيرة المعاد، ج ۱، ص ۲۶۶).

دارند.^۱ برخی از اصولیون،^۲ توقیفی بودن عبادات را این گونه بیان کرده اند که بنا بر ثبوت حقیقت شرعی، معنایی را که شارع در عبادات اراده کرده - با لحاظ جزئیات - غیر از معنای لغوی آن هاست؛ بنابراین بیان ماهیت عبادات - علاوه بر بیان احکام آن - بر عهده شارع است به خلاف معاملات که شارع در آن معنای لغوی و عرفی را اراده کرده است؛ مانند ماهیت بیع که همان بیع عرفی است و شارع فقط احکام آن را بیان کرده است، مثل تفکیک بیع از ربا.

خود عبادات نیز به واجبات و مستحبات تقسیم می شود که هر دو قسم آن توقیفی است. یکی از این مستحبات توقیفی، اعتکاف است که ماهیت و احکام آن در کتاب و سنت با دقت بیان شده است. از فایده های توقیفی بودن عبادات، پیش گیری از وقوع انحراف در آن است. گاهی افراط و تفریط افراد، عبادت را از مسیر خود خارج کرده و ایجاد بدعت می کند. رهبانیت مسیحی در آغاز راه مسیری نیکو داشت، اما دخالت برداشت های شخصی، موجب انحراف این آیین عبادی شد. به همین جهت، توقیفی بودن عبادت، راه انحراف را می بندد و عاملان به عبادتی را در مسیر درست، استوار می دارد.

در صدر اسلام، عثمان بن مظعون دچار یکی از این انحرافات شد. او با ترک خانه، زندگی و همسر خویش، در مسجد بیتوته کرد و به عبادت پرداخت. همسرش نزد رسول الله ﷺ گله کرد و پیامبر، عثمان را مورد عتاب قرار داد.^۳ این قبیل خطرات و انحرافات موجب شد تا معصومان علیهم السلام در سخن و سیره خویش با معرفی جنبه های اجتماعی اسلام، روش صحیح بیتوته در مسجد را بیان کنند.

نمونه ای از الگوهای صحیح اعتکاف در سیره امام مجتبی علیه السلام دیده می شود. در یکی از اعتکاف های مسجد الحرام خبر گرفتاری مسلمانی به حضرت رسید و ایشان برای برآورده کردن حاجت آن شخص به سرعت قصد خروج از مسجد را کردند و در برابر یادآوری دیگران درباره عدم جواز خروج از مسجد برای معتکف، چنین فرمودند:

۱. «أن الفقهاء متفقون على أن العبادات توقيفية دون المعاملات، كما لا يخفى على من لاحظ طريقتهم» (الفوائد الحائرية، ص ۴۷۵).

۲. رک: الفوائد الحائرية، ص ۴۷۷.

۳. رک: کافی، ج ۵، ص ۴۹۴.

اعتکاف را فراموش نکرده‌ام، اما از پدرم شنیدم که از جَدَم رسول خدا ﷺ نقل کرد که فرمود: کسی که برای برآورده کردن نیاز برادر مسلمانش تلاش کند، مانند آن است که نه هزار سال خداوند را عبادت کرده باشد، در حالی که روزهایش را روزه و شب‌هایش را به عبادت گذرانده است.^۱

این سیره معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد که اسلام در کنار عبادات فردی، تکالیف اجتماعی را نیز قرار داده است که در بسیاری از موارد تکالیف اجتماعی بر عبادات فردی برتری دارد.

پیشینه اعتکاف در اسلام و ادیان گذشته

در همه ادیان گذشته، عبادتی اعتکاف‌گونه وجود داشته است. آیه ۱۲۵ سوره «بقره» نشان می‌دهد که در شریعت حضرت ابراهیم علیهِ السلام اعتکاف - با شرایط خودش - وجود داشته و خداوند به ابراهیم و اسماعیل علیهِ السلام امر می‌کند که بیت الله را برای معتکفان تطهیر و آماده کنند.^۲ طبرسی رحمه الله در شرح حال حضرت سلیمان علیهِ السلام نیز آورده است: «سلیمان علیهِ السلام در مسجد بیت المقدس به مدت یک سال تا دو سال و یک ماه تا دو ماه، کمتر و یا بیشتر معتکف می‌شد».^۳

هم چنین قرآن سخنانی درباره عبادات طولانی مدت حضرت موسی علیهِ السلام در کوه طور دارد و از آن، با عبارت «میقات» یاد کرده و می‌فرماید:

وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتٍ رَّبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً^۴ - و با موسی برای عبادتی ویژه و دریافت تورات سی شب وعده گذاشتیم و آن را با افزودن ده شب کامل کردیم. پس میعادگاه پروردگارش به چهل شب پایان گرفت.^۵

از اعتکاف پیامبر ﷺ پیش از رسالت نیز گزارش‌هایی وجود دارد. ابن بطریق در کتاب *العمدة*، درباره اعتکاف ایشان در غار حرا می‌نویسد:

۱. الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۲۱۰۸.

۲. بقره، آیه ۱۲۵.

۳. «إن سلیمان کان یعتکف فی مسجد بیت المقدس السنة والسنین والشهر والشهرین وأقل وأکثر...» (مجمع

البیان، ج ۸، ص ۶۰۱).

۴. اعراف، آیه ۱۴۲.

۵. در ترجمه آیات قرآن، از ترجمه استاد حسین انصاریان بهره‌مند شدم.

پیامبر اکرم ﷺ قبل از مبعوث شدن به رسالت و نبوت، یک ماه از سال را در غار حرا معتکف شده و به عبادت می پرداختند. هنگامی که این مدت به پایان می رسید از غار خارج شده و از کوه پایین می آمدند و مستقیم به مسجد الحرام رفته و طواف می کردند و سپس به خانه برمی گشتند.^۱

حتی مشرکان نیز در کنار بت های خود به قصد تقرب به آن ها معتکف می شدند^۲ و گاهی آن را به واسطه نذر بر خود لازم می کردند. احمد بن حنبل درباره خلیفه دوم نقل می کند که وی از رسول خدا ﷺ درباره اعتکافی که در زمان جاهلیت نذر کرده بود که در مسجد الحرام انجام دهد، پرسید و حضرت به او دستور دادند که نذرش را ادا کند.^۳

از این گزارش معلوم می شود که مشرکان مکه قبل از اسلام در کنار کعبه، که محل قرار گرفتن بت هایشان بود، معتکف می شدند و این عمل را با نیت و سبک خاص خودشان و در مکان های مختلفی مانند کوه ها و غارها انجام می دادند،^۴ که در اسم، با اعتکاف اسلامی مشترک است.

در اسلام، قرآن کریم مسئله اعتکاف را در آیات ۱۲۵ و ۱۸۷ سوره «بقره» بیان کرده است. روایات فراوانی نیز درباره خصوصیات و شرایط اعتکاف به دست ما رسیده و در سیره اهل بیت علیهم السلام نیز گزارشاتی وجود دارد؛ برای مثال، خبرهای متعددی درباره اعتکاف پیامبر ﷺ در مسجد النبی در دست است که در یکی از آن ها آمده:

ایشان همه ساله ده روز از ماه مبارک رمضان را معتکف می شدند. سال سوم هجرت، اعتکاف ایشان بیست روز طول کشید که ده روز آن بابت قضای اعتکاف سال گذشته بود، چراکه سال قبل در ایام ماه مبارک رمضان همراه با سایر مسلمانان در غزوه بدر حضور داشتند.^۵

هم چنین در سال آخر عمر شریفشان نیز بیست روز معتکف شدند.^۶

۱. العمده، ص ۱۱.

۲. رک: الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳. مسند احمد، ج ۲، ص ۱۵۳.

۴. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۶، ص ۵۰۹.

۵. کافی، ج ۴، ص ۱۷۵.

۶. رک: مسند احمد، ج ۲، ص ۳۳۶.

اعتکاف در قرآن کریم

ماده «عکف» در تئ آیه از قرآن به صورت های مختلف به کار رفته که در هفت آیه^۱ معنای لغوی اعتکاف، یعنی «ملازمت» با زیرشاخه هایش مورد نظر است؛ اما آیات ۱۲۵ و ۱۸۷ سوره «بقره» مربوط به اعتکاف عبادی اسلام است. مؤلف بحارالانوار نیز در ابتدای باب اعتکاف فقط این دو آیه را آورده و در ذیل آن ها روایات را مطرح کرده است.^۲ خداوند متعال در آیه ۱۲۵ سوره «بقره» می فرماید:

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ؛ و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه ام را برای طواف کنندگان، اعتکاف کنندگان، رکوع کنندگان و سجده گزاران [از هر آلودگی ظاهری و باطنی] پاکیزه کنید.

شیخ طوسی در کتاب التبیان فی تفسیر القرآن، ذیل کلمه «عاکفین» چهار احتمال را بیان می کند^۳ که در نهایت «مقیمین بحضرته» را بر احتمالات دیگر برتری داده و علت آن را تبادل این معنا از لفظ می داند.

بنابراین، از دیدگاه شیخ طوسی مراد از معتکفان در این آیه همان افرادی هستند که در اطراف کعبه به عمل عبادی اعتکاف مشغولند. ابن جریر طبری در جامع البیان «عاکفین» را به کسانی که در بیت الله الحرام می نشینند و طواف و نمازی به جای نمی آورند، معنا کرده است.^۴ مراد وی از عبارت «بغیر طواف ولا صلاة» آن است که نیت این معتکفان، طواف و نماز طواف نیست، بلکه هدفشان التزام به مسجد الحرام است.

برخی منظور از «عاکفین» را مجاوران و اهالی مکه دانسته اند.^۵ در نقد این سخن باید گفت، آیه مذکور چند عبادت را در کنار هم آورده که عبارتند از: طواف،

۱. حج، آیه ۲۵؛ فتح، آیه ۲۵؛ اعراف، آیه ۱۳۸؛ طه، آیه ۹۷؛ انبیاء، آیه ۵۲؛ طه، آیه ۹۱؛ شعراء، آیه ۷۱.

۲. بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۲۸.

۳. و قوله: «و العاکفین» هاهنا قیل فیہ اربعة اقوال: الاول: قال عطا واختاره الجبائی: انهم المقیمون بحضرته. والثانی: قال مجاهد وعکرمه: انهم المجاورون. والثالث: قال سعید بن جبیر وقتاده: انهم أهل البلد الحرام. والرابع: قال ابن عباس: هم المصلون. والاول اقوی، لأنه المفهوم من اطلاق هذه اللفظة (التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۵۴).

۴. و اولی هذه التأویلات بالصواب ما قاله عطاء، وهو أن العاکف فی هذا الموضع المقیم فی البيت مجاورا فیہ بغیر طواف ولا صلاة، لان صفة العکوف ما وصفنا من الإقامة بالمکان (جامع البیان، ج ۱، ص ۷۵).

۵. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۵۴؛ به نقل از: سعید بن جبیر وقتاده.

رکوع و سجود؛ حال اگر مراد از «عاکفین»، اهالی مکه باشد، «اهل مکه بودن» عبادت نیست؛ لذا این عنوان از سیاق آیه خارج می شود، در حالی که خروج از سیاق، نیازمند دلیل است.

ممکن است اشکال شود که به طور معمول، اهالی مکه به زائران بیت الله خدمت کرده و با حضورشان در مکه، بلدالحرام را رونق و آبادانی می بخشند؛ از این رو، بُعدی ندارد که نام ایشان در کنار طواف کنندگان ذکر شود و با این بیان، سیاق هم حفظ شده است. در آیه ۲۵ سوره «حج» نیز مراد از «عاکف»، اهالی مکه است و این، خود دلیل یا حداقل مؤید به شمار آید. در پاسخ به این بیان و استدلال به آیه ۲۵ سوره «حج» باید گفت که خدمت به زائران بیت الله به شرطی که با قصد قربت باشد، عبادت است، اما عبادت این عبادت مترتب بر اهل مکه بودن نیست، بلکه متوقف بر خدمت به زائران با قصد قربت است که در این جا آیه می توانست از تعبیرات دیگری مثل «والخادمین» استفاده کند. در آیه ۲۵ سوره «حج» هم قرینه معینه وجود دارد که مراد از «العاکف» اهالی مکه هستند و آن قرینه، مقابله «العاکف» با «الباد» در ادامه آیه است که دومی به معنای بادیه نشینان و اولی به معنای اهالی مکه است.

وجود عمل عبادی اعتکاف در ادیان گذشته و دین حضرت ابراهیم علیه السلام و ذکر این واژه در کنار طواف، رکوع و سجود، موجب می شود که اعتکاف به معنای اصطلاحی متبادر به ذهن شود و تبادر، حداقل، ظن آور بوده و در کنار سایر ظنون و ادله، حجت را شکل می دهد.^۱ این تبادر با بررسی سیاق آیه تقویت می شود، زیرا خداوند در خطاب به ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام می فرماید: «خانه مرا برای طواف کنندگان، اعتکاف کنندگان، رکوع کنندگان و سجده گذاران پاکیزه کنید». سخن بر سر پاکیزه کردن بیت الله است، یعنی مسجدالحرام و نه حرم الله یعنی شهر مکه. نکته دیگر، ذکر «عاکفین» در کنار طواف کنندگان، رکوع کنندگان و سجده کنندگان است که سه عمل اخیر جزو اعمال مسجدالحرام بوده و رکوع و سجده، نماد عبادت و نماز است؛ بنابراین «عکوف» هم باید جزو اعمال مسجدالحرام باشد تا تناسب با سیاق حفظ شود.

۱. رک: مبنای تبادر و تراکم ظنون در کتب اصول فقه، مثل: فوائد الاصول، ج ۳، ص ۲۰۱؛ هدایة المسترشدين، ج ۱، ص ۲۲۶ و ج ۳، ص ۴۵۱؛ مباحث الاصول، ج ۱، ص ۸۲.

طبرسی در مجمع‌البیان حدیثی از پیامبر ﷺ آورده که:

در هر شبانه روز ۱۲۰ رحمت بر خانه کعبه نازل می‌شود که شصت عدد از آن متعلق به طواف‌کنندگان و چهل عدد از آن مخصوص معتکفان است و بیست عدد باقی مانده به نگاه‌کنندگان به بیت‌الله می‌رسد.^۱

در این روایت نیز پاداش برای افرادی در نظر گرفته شده که عبادتی انجام می‌دهند، چه این‌که دور خانه خدا طواف می‌کنند و این عملی عبادی است،^۲ و یا در اطراف آن نشسته و با حضور و نگاه خود، خانه خدا را رونق بخشیده و تعظیم می‌کنند.^۳ حال اگر مراد از عاکفان، اهالی مکه باشد، با سایر اجزای روایت سازگاری نخواهد داشت؛ مخصوصاً با توجه به این‌که «العاکفین» بین «الطائفین» و «الناظرین» آمده است. از کنار هم قراردادن مطالب گذشته می‌توان نتیجه گرفت که مراد از «عاکفین» در آیه ۱۲۵ سوره «بقره»، اعتکاف‌کنندگان در مسجد الحرام هستند. هم‌چنین از این آیه می‌توان چند نکته در فضیلت اعتکاف برداشت کرد:

۱. انتخاب شریف‌ترین مکان برای اعتکاف: اضافه شدن کلمه «بیت» به «الله» برای ملکیت نیست، زیرا خداوند که نیازی به خانه ندارد؛ ضمن این‌که عالم، ملک خداست؛ بلکه این اضافه برای نشان دادن عظمت و شرافت این مکان است. در حقیقت، خداوند بهترین و شریف‌ترین مکان را برای اعتکاف برگزیده است.^۴
۲. انجام اعتکاف در مکانی پاک: خداوند دستور می‌دهد تمام آلودگی‌های مادی و معنوی از مسجد الحرام، که مکان معتکفان است، پاک شود و این خود، فضیلتی برای اعتکاف و معتکفان است و در مقابل، آنان نیز باید طهارت این مکان را حفظ کنند.^۵
۳. خدمت به معتکفان، مقامی بزرگ: خداوند، پیامبر اولوالعزم و خلیل خود و پیامبر دیگر و

۱. «قال رسول الله ﷺ إن الله عز وجل في كل يوم وليلة عشرين ومائة رحمة تنزل على هذا البيت ستون منها للطائفين وأربعون للعاكفين وعشرون للناظرين» (مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ۳۸۵).
 ۲. رک: الکافی، باب الطواف واستلام الأركان، ج ۴، ص ۴۰۶.
 ۳. رک: الکافی، ج ۴، ص ۲۴۰.
 ۴. «أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ» إضافة البيت إلى ضمير الجلالة، للتشريف والتعظيم «الطراز الأول والكناز لما عليه في اللغة العرب، ج ۳، ص ۱۹۲).
 ۵. رک: کافى، ج ۴، ص ۴۰۰.

ذبیح خود را مأمور خدمت به معتکفان در مسجد الحرام کرده است؛ فضیلتی که بزرگی آن قابل وصف نیست.

۴. اعتکاف، هم سطح محبوب‌ترین عبادات: اعتکاف در کنار عباداتی همچون نماز و حج آمده که با فضیلت‌ترین اعمالند.^۱ در حقیقت، این عمل در شمار آن عبادات قرار گرفته است.

از این نکات می‌توان استفاده کرد که اعتکاف، عملی مشروع بوده و دارای فضیلتی بزرگ است.

دومین آیه‌ای که درباره اعتکاف مصطلح سخن گفته، آیه ۱۸۷ سوره «بقره» است:

أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ... ودر حالی که در مساجد معتکف هستید با زنان آمیزش نکنید. این‌ها حدود خداست، به آن‌ها نزدیک نشوید. خدا این‌گونه آیاتش را برای مردم بیان می‌کند، تا [از مخالفت اوامرو نواهی او] بپرهیزند.

مفسران اتفاق نظر دارند که قسمت پایانی آیه درباره اعتکاف رایج در اسلام است. در این آیه، اعتکاف در کنار صوم، که از فروع مهم دینی است، ذکر شده و بیان آیه به گونه‌ای است که اعتکاف را از فروع صوم به حساب آورده است.^۲

نکته دوم، بیان چند حکم شرعی درباره اعتکاف در جمله‌ای کوتاه است. حکم اول این‌که در اعتکاف، روزه گرفتن واجب است و احکام روزه در این‌جا نیز وجود دارد. حکم دوم، انجام اعتکاف در مسجد و حکم صوم، ممنوعیت مباشرت با زنان در حال اعتکاف است؛ علاوه بر این‌ها، مشروعیت و عبادیت اعتکاف با این آیه ثابت می‌شود.

در انتهای آیه عبارت: تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا آمده که بر اساس آن، واجبات و

۱. رک: همان، باب فضل الحج والعمرة وثوابهما، ج ۴، ص ۲۵۲ و باب فضل الصلاة، ج ۳، ص ۲۶۴.

۲. رک: المقننه، باب الصيام، ص ۲۹۳.

محرمات اعتکاف همانند سایر امور واجب و حرام، جزو حدود الهی بوده و رعایت آن لازم است. این تعبیر فقط شش بار در قرآن تکرار شده، که از جمله آن واجبات و محرمات صوم و اعتکاف است.

اعتکاف در احادیث معصومان علیهم السلام

احکام و تکالیف در شریعت اسلام، تابع مصلحت و مفسده است که یا ذات عمل مصلحت و مفسده دارد و یا به لحاظ امور دیگر دارای مصلحت و مفسده می شود.^۱ تکالیف دارای مصلحت و مفسده به دو گروه تقسیم می شوند: اول، اعمالی که مصلحت یا مفسده بسیاری دارند و شارع به دلیل لطفی که به بندگان دارد حکم به وجوب یا حرمت این اعمال کرده تا مصلحت آن از کسی فوت نشده و عقابش گریبان گیر بندگان نشود. گروه دوم اعمالی هستند که به اندازه گروه اول مصلحت و مفسده ندارند که شامل مستحبات و مکروهات می شود. این گروه نیز در تقسیم بندی جداگانه ای، دو دسته دارد: یکی مستحبات و مکروهات عادی که شارع، انجام و ترک آن ها را پسندیده دانسته و دیگری، مستحبات و مکروهات مؤکد که شارع عنایت خاصی به آن ها داشته و بر انجام و ترکشان تأکید کرده است؛ مانند نماز شب که از محتوای فراوانی روایات، موکد بودن آن استفاده می شود.^۲

با مروری در سخن و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام روشن می شود که اعتکاف، جایگاه ممتازی در عبادات دارد، تا جایی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در صورت موفق نشدن به ادای این عمل مستحب، آن را قضا می کردند. در برخی روایات برای بیان اجر و پاداش بعضی از اعمال، ثواب اعتکاف میزان قرار گرفته است؛ یعنی به جای ذکر مقدار ثواب عملی، گفته شده که ثواب این عمل - مثلاً - برابر با یک اعتکاف است. در ادامه، چند دسته از روایات که هر کدام به نوعی دال بر فضیلت اعتکاف است، بررسی می شود.

۱. روایات ثواب اعتکاف

فراوانی ثواب اعتکاف سبب شده تا پاداش آن با حج تمتع و عمره سنجیده شود که

۱. کفایة الاصول، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲. رک: کفای، باب صلاة النوافل، ج ۳، ص ۴۴۲.

این چنین فضایی، شوق انجام این عبادت را بیشتر می‌کند. در ادامه، چهار نمونه از این روایات مرور می‌شود.

نمونه اول: ثوابی برابر یک حج تمتع و یک عمره

بزنطی از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند:

اعْتِكَافُ لَيْلَةٍ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ وَ عِنْدَ قَبْرِهِ يَعْدِلُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً... وَ مَنْ اعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ كَانَ ذَلِكَ أَفْضَلَ لَهُ مِنْ حَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ؛^۱ یک شب اعتکاف در مسجد النبی و نزد قبر رسول الله معادل یک حج و یک عمره است... و کسی که در کنار قبر رسول الله معتکف شود، فضیلت این اعتکاف برای او از یک حج و یک عمره بیشتر است.

امام علیه السلام در دو بخش از این روایت، به پاداش اعتکاف اشاره کرده‌اند. ابتدا ثواب یک شب اعتکاف در مسجد النبی را معادل یک حج تمتع و یک عمره دانسته‌اند. سپس ثواب اعتکاف در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را از یک حج و یک عمره بیشتر شمرده‌اند. ظاهراً تفاوت این دو ثواب مربوط به مکان اعتکاف است؛ در تعبیر اول، مجموعه مسجد النبی مورد نظر است و در تعبیر دوم، جایی خاص از مسجد النبی، یعنی کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله. بنابراین می‌توان گفت، مکان‌های اعتکاف از حیث فضیلت با یکدیگر متفاوتند.

نمونه دوم: ثوابی برابر دو حج تمتع و دو عمره

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: «اعْتِكَافُ الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ»؛^۲ اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان، معادل دو حج و دو عمره است. در این روایت اجر معتکف دهه آخر ماه رمضان، برابر با کسی است که دو حج تمتع و دو عمره انجام داده است. این که اعتکاف مستحبی با حج تمتع، که تکلیفی واجب است، مقایسه می‌شود، نشان دهنده میزان اهمیت اعتکاف است.

نمونه سوم: موجب بخشش گناهان

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده: «مَنْ اعْتَكَفَ إِيمَانًا وَ إِحْسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ

۱. الإقبال، ج ۱، ص ۳۵۸؛ بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۵۱.

۲. الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸.

ذَنْبِهِ»؛^۱ کسی که از روی ایمان و با قصد قربت معتکف شود، گناهان گذشته او بخشیده می شود. در این حدیث، بخشش گناهان گذشته معتکف، پاداش او بیان شده است. تأکید روایت بر خلوص نیت نیز همانند سایر عبادات است که قصد قربت در آن شرط صحت عمل به شمار می آید.^۲

نمونه چهارم: موجب دوری از آتش جهنم

از پیامبر ﷺ نقل شده:

مَنْ إِعْتَكَفَ يَوْمًا إِيْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ ثَلَاثَ خَنَاقٍ كُلُّ خَنَاقٍ أَبْعَدُ مِمَّا بَيْنَ الْخَافَقَيْنِ؛^۳ کسی که یک روز را به قصد تقرب به خداوند معتکف شود، خدا بین او و آتش دوزخ سه خندق قرار می دهد که اندازه هر کدام، از فاصله بین خاور و باختر بیشتر است.

در این روایت به یکی از ثمرات اخروی اعتکاف اشاره شده که فاصله گرفتن معتکف از آتش جهنم و جایگاه عذاب است. نکته جالب این که میزان فاصله معتکف از آتش، بیش از فاصله خاور و باختر بیان شده است.

جمع بندی دسته اول روایات: در این دسته از روایات، پاداش هایی برای اعتکاف بیان شده و در ضمن بیان ارزش اعتکاف، به زمان و مکانی که برای جایگاه می افزاید اشاره شده است؛ مانند دهه آخر ماه رمضان و یا مسجد النبی.

۲. روایاتی که اعتکاف را میزان سنجش ثواب اعمال دیگر قرار داده اند

بخش عمده ای از روایات مربوط به فضیلت اعتکاف، به صورت مستقیم فضیلتی را برای آن بیان نکرده اند، بلکه اجر برخی اعمال، مانند برآورده کردن حاجت برادر دینی را معادل یک یا چند اعتکاف قرار داده و یا ثواب آن عمل را برتر از اعتکاف شمرده و به این وسیله مردم را به انجام این اعمال تشویق کرده اند. از این دسته روایات، اهمیت و فضیلت فراوان اعتکاف روشن می شود و اگر چنین نبود معصومان علیهم السلام از آن برای ایجاد انگیزه در انجام دیگر عبادات استفاده نمی کردند. در ادامه به چند نمونه از این روایات اشاره می شود.

۱. الجامع الصغير، ج ۲، ص ۵۷۵ و کنز العمال، ج ۸، ص ۵۳۰؛ ۲۴۰۰۷؛ هر دو به نقل از: الفردوس،

۲. رک: وسیلة الوصول، ص ۲۰۶.

۳. المعجم الاوسط، ج ۷، ص ۲۲۱.

نمونه اول: معاشرت با خانواده، برتر از اعتکاف در مسجدالنبی

در کلمات معصومان علیهم السلام تأکید فراوانی بر حفظ و تقویت بنیان خانواده وجود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نشان دادن اهمیت هم نشینی با خانواده، آن را با عبادت پرفضیلتی همچون اعتکاف مقایسه کرده و نشستن مرد در کنار خانواده اش را از اعتکاف در مسجدالنبی بالاتر شمرده اند.^۱ آنچه در این روایت مشهود است، میزان بودن ثواب اعتکاف و شهرت آن است. اگر ثواب این عمل عبادی، مشهور و مورد رغبت مردم نبود، پیامبر برای بیان اهمیت موضوع خانواده آن را با اعتکاف مقایسه نمی کردند.

نمونه دوم: نگاه به چهره عالم، برتر از یک سال اعتکاف

در اسلام، علم و صاحبان آن از احترام فراوانی برخوردارند و علمای دینی به دلیل این که در جایگاه هدایت مردم و معرفی اسلام قرار دارند، بیشتر مورد توجه هستند. امام علی علیه السلام می فرماید: «النَّظَرُ إِلَى الْعَالِمِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ إِعْتِكَافٍ سَنَةٍ فِي بَيْتِ الْحَرَامِ»؛^۲ نگاه کردن به عالم نزد خداوند از یک سال اعتکاف در مسجدالحرام محبوب تر است. حضرت در این سخن مردم را به نگاه کردن به چهره علما تشویق کرده و آن را از یک سال اعتکاف، محبوب تر شمرده اند. در حقیقت، امام علیه السلام برای نشان دادن اهمیت هم نشینی با علما و توجه به آنان، اعتکاف را به عنوان شاخص، انتخاب کرده اند.

نمونه سوم: رفع حاجت مؤمن معادل دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام

اسلام، دینی است که به جنبه های اجتماعی زندگی انسان توجه فراوانی کرده و همواره در صدد است پیوندهای اجتماعی را محکم کند تا انسان ها در جامعه امنیت روانی داشته باشند. یکی از زمینه های این امنیت، زمانی است که مؤمنی نیازمند شود. خداوند از مؤمنان دیگر انتظار دارد که حاجت برادر مؤمن خود را برآورده کرده و او را از وضعیت سخت برهانند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

کسی که در رفع حاجت برادر مؤمن خویش اقدام و تلاش کند و خداوند به دست او حاجت آن مؤمن را برآورده سازد، برای وی حج و عمره و دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام و روزه آن را می نویسد و اگر او تلاش کند اما خداوند به دست او

۱. «جُلُوسُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ إِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا» (نزّه الناظر و تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲).

۲. عده الداعی، ص ۶۶؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۶۶.

حاجت آن مؤمن را برآورده نکند، برای وی حج و عمره ای می نویسد.^۱

از این نمونه، روایت متعددی در کتب شیعه و سنی وجود دارد که نشان دهنده توجه معصومان علیهم السلام به امریاری رساندن مؤمنان به یکدیگر است؛ توجهی که با شاخص ثواب اعتکاف بیان می گردد.

نمونه چهارم: زیارت امام حسین علیه السلام معادل دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام

پس از شهادت امام حسین علیه السلام، ائمه اطهار علیهم السلام تأکید فراوانی بر توجه به مزار ایشان داشتند، به گونه ای که در برخی روایات، زیارت امام حسین علیه السلام واجب شمرده شده است.^۲ امام صادق علیه السلام، در سخنی برای این که میزان ثواب زیارت حسین بن علی علیه السلام را بیان کنند، از ثواب اعتکاف و مقایسه این دو با یکدیگر بهره می گیرند. ایشان یکی از زنان عراقی را که برای زیارت شهدا به مدینه آمده بود، مورد عتاب قرار می دهند که: چرا مردم عراق این مسیر طولانی را برای زیارت شهدا طی می کنند، اما به زیارت سیدالشهدا علیه السلام نمی روند؟ در ادامه، حضرت پادشاه زیارت امام حسین علیه السلام را معادل دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام بیان فرمودند.^۳

جمع بندی دسته دوم روایات: در این دسته از روایات، اعتکاف به عنوان میزان و معیار سنجش ثواب برخی از اعمال قرار گرفته و این نکته، نشانه عظمت فضیلت اعتکاف است. برای ترغیب و تشویق به انجام کاری، باید جایزه و پاداش آن ارزشمند باشد، و از این روایات می توان فهمید که ثواب اعتکاف چقدر ارزشمند است. قرارگرفتن اعتکاف در سطح عباداتی چون حج تمتع و عمره در برخی از این روایات، دلیل دیگری بر این فضیلت ویژه است.

۳. اعتکاف، پیروی از سیره رسول الله صلی الله علیه و آله

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بسیاری از عبادات، نه فقط با سخن، بلکه با اهتمام و تقید بسیار در انجام آن، اهمیت و فضیلت آن را به اصحاب نشان می دادند. از آن جایی که خداوند حکیم در قرآن، پیامبرش را به عنوان «اسوه حسنه» معرفی می کند،^۴ همواره

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲. کامل الزیارات، ص ۱۲۱.

۳. همان، ص ۱۱۰.

۴. احزاب، آیه ۲۱.

مسلمانان در حفظ و عمل به سیره ایشان تلاش می‌کردند زیرا می‌دانستند هر عملی را که حضرت بر آن تأکید می‌کنند، بدون مصلحت نیست. یکی از عباداتی که رسول الله ﷺ بر انجام آن تأکید و استمرار داشتند، اعتکاف است. بر این اساس، انجام عمل عبادی اعتکاف، پیروی از سیره پیامبر و عمل به آیه ۲۱ سوره «احزاب» است. اکنون چند نمونه از روایاتی که نشان‌دهنده میزان تقید پیامبر به امر اعتکاف است، ذکر می‌گردد.

نمونه اول: اقامه اعتکاف

توجه خاص پیامبر ﷺ به انجام باشکوه اعتکاف در روایتی از امام صادق علیه السلام این گونه بیان شده است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ أَخْرَجَ عَتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضَرَبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرِ وَشَمَّرَ الْمُتَزَرِّوْنَ طَوَى فِرَاشَهُ»^۱ زمانی که دهه آخر ماه مبارک رمضان می‌شد، پیامبر اکرم ﷺ در مسجد معتکف می‌شدند و خیمه‌ای از جنس مو برای ایشان برپا می‌کردند و حضرت دامن به کمر می‌بست و بسترشان را جمع می‌کردند.

عبارت «إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ» نشانه استمرار است؛ یعنی رسم هر ساله پیغمبر اکرم ﷺ اعتکاف بوده است. عبارت «شَمَّرَ الْمُتَزَرِّوْنَ» به معنای بال زدن و بستن دامن به کمر، به نهایت تلاش در عبادت اشاره دارد.^۲ و تعبیر دیگری همچون: جمع کردن بستر و به پا کردن خیمه برای اعتکاف، نشان از اهمیت و فضیلت عملی است که زندگی عادی شخص اول جامعه اسلامی را معطوف خویش کرده تا نه به صورت عادی انجام پذیرد، بلکه برای ادای آن، اقامه و قیامی صورت گیرد.

نمونه دوم: اعتکاف هر ساله در ماه رمضان و پیوند آن با حکومت اسلامی

امام صادق علیه السلام در بیان سیره پیامبر ﷺ درباره اعتکاف می‌فرماید:

«عَتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ ثُمَّ اغْتَكَفَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ الْوُسْطَى ثُمَّ اغْتَكَفَ فِي الثَّالِثَةِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَغْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ»^۳ رسول خدا در ماه رمضان در دهه اول معتکف شدند؛ سپس در ماه

۱. کافی، ج ۴، ص ۱۷۵.

۲. المصباح المنیر، ج ۲، ص ۳۲۲.

۳. کافی، ج ۴، ص ۱۷۵.

رمضان دوم در دهه میانی و در ماه رمضان سوم در دهه آخر معتکف شدند. پس از آن همیشه در دهه آخر معتکف می شدند.

قبلاً گذشت^۱ که ایشان قبل از بعثت نیز در غار حرا معتکف می شدند، اما درباره اعتکاف بعد از رسالت ایشان در مکه گزارشی یافت نشد. با بررسی روایات روشن می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از هجرت به مدینه، از همان سال اول اعتکاف در مسجد را آغاز کردند و گاهی زمان های دیگری اعتکاف می کردند، اما کم کم دهه آخر ماه مبارک رمضان زمان ثابتی برای انجام این عبادت شد. نکته مهم، آغاز اعتکاف هر ساله، با آغاز حکومت اسلامی است که نشان از وظیفه حکومت در برپایی شعائر دینی و سنت اعتکاف دارد.

نمونه سوم: انجام قضای اعتکاف سال گذشته

برخی از مستحبات، قابلیت قضا دارند. فقها این قبیل اعمال را جزو مستحبات مؤکد می دانند.^۲ اعتکاف، از این گروه است. در سال دوم هجرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل حضور در غزو بدر، موفق به انجام اعتکاف در ماه رمضان نشدند. ایشان در سال بعد (سال سوم) قضای اعتکاف سال گذشته را به جا آورده و دهه دوم و سوم ماه مبارک (یعنی ۲۰ روز) را در مسجد معتکف شدند.^۳ انجام قضای اعتکاف سال گذشته، با توجه به این که این عمل به خودی خود مستحب است، اهمیت و جایگاه این عبادت را در نظر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان می دهد.

جمع بندی دسته سوم روایات: سیره عملی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مسلمانان جایگاه ویژه ای دارد و صحابه نیز به حفظ و عمل به آن اهتمام می ورزیدند. وقتی اصحاب توجه حضرت را به عملی مشاهده می کردند، برایشان درباره فضیلت و ویژه آن عمل، یقین پیدا می شد و انجام آن را جزئی از برنامه عبادی خود قرار می دادند. اعتکاف هر ساله پیامبر موجب شد تا مسلمانان برای درک این فضیلت بزرگ با ایشان همراه شده و اعتکافی جمعی را سامان دهند.^۴ این سیره اکنون نیز بین مسلمانان رایج است که

۱. در بخش «پیشینه اعتکاف در اسلام و ادیان گذشته».

۲. رک: تهذیب الاحکام، باب الاغسال المفترضات والمسنونات، ج ۱، ص ۱۰۳.

۳. رک: الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵.

۴. ابوسعید خدری می گوید: «اعتکف رسول الله عشر الأول من رمضان واعتكفنا معه فأثابه جبريل فقال: إن الذي تطلب

پیروی از روش رسول خداست.

۴. روایاتی که برای ناتمام ماندن اعتکاف تدبیر کرده‌اند

اسلام برای برخی تکالیف عبادی، کفاره و قضا تعیین کرده است. برای برخی از عبادات نیز شرایط ویژه‌ای قرار داده است. این‌ها نشانه اهمیت آن عبادت و تلاش دین برای به کمال رساندن آن است؛ برای مثال، شارع زمینه‌ای فراهم کرده تا هیچ کس از درک فضیلت غسل جمعه محروم نشود؛ لذا این امکان را قرار داده که از ظهر پنج‌شنبه تا غروب جمعه، این غسل با نیت ادا و در غیر این زمان با نیت قضا انجام شود.^۱ یا برای برخی از اعمال، کفاره تعیین کرده تا جبران کوتاهی در عمل باشد؛ مانند قربانی نکردن - برخی از حجاج با شرایط خاص - در حج که عوض آن باید ده روز را به عنوان کفاره روزه گرفت.^۲ درباره اعتکاف نیز راه‌هایی برای درک فضیلت آن و راه‌هایی برای جبران بطلان آن در نظر گرفته شده است که در ادامه، نمونه‌هایی از آن‌ها بررسی می‌شود.

نمونه اول: کفاره ظهار برای ابطال اعتکاف

کسی که در حال اعتکاف، جماع کند علاوه بر بطلان اعتکافش باید کفاره هم بدهد. در برخی از روایات آمده: اگر معتکف در ماه رمضان در روز با همسرش جماع کند، باید هم کفاره اعتکاف را بدهد و هم کفاره افطار روزه ماه رمضان را پرداخت کند.^۳ برای چنین عملی، کفاره ظهار تعیین شده است که عبارت است از: آزاد کردن یک بنده، یا شصت روز روزه گرفتن و یا اطعام شصت فقیر که به صورت ترتیبی باید انجام شود.^۴ یکی از روایات این موضوع را کلینی چنین آورده است:

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْمُعْتَكِفِ يُجَامِعُ أَهْلَهُ؟ قَالَ: إِذَا فَعَلَ فَعَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُظَاهِرِ؛^۵ زراره نقل می‌کند: که از امام باقر (ع) از حکم معتکفی که با همسرش نزدیکی کند، سؤال پرسیدم؛ حضرت فرمودند: اگر این کار را انجام داد، هرچه بر

امامک، فاعتکف العشر الأوسط فاعتکفنا معه فأتاه جبریل...» (صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۹۸).

۱. شرایع الاسلام، ج ۱، ص ۳۶.

۲. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْخَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ، (بقره ۱۹۶)؛ (رک: الکافی، باب صوم المتمتع اذا لم يجد الهدى، ج ۴، ص ۵۰۶).

۳. رک: الفقه، ج ۲، ص ۱۸۸.

۴. رک: جواهر الکلام، ج ۳۳، ص ۱۶۹.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۹.

گردن ظاهرکننده است، بر او نیز تکلیف می شود.

نمونه دوم: قضای اعتکاف حائض

از معصومان علیهم السلام نهی صریحی درباره اعتکاف بانوان مشاهده نشده است. بانوان به علت عارض شدن حیض، نمی توانند معتکف شوند و اگر معتکف شدند نمی توانند اعتکاف خود را به پایان برسانند. اسلام چنین شرایطی را تدبیر کرده و برای بهره مند شدن بانوان از فضیلت اعتکاف، قضای مقدار باقی مانده را مشروع دانسته است. کلینی رحمه الله نقل کرده:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي الْمُعْتَكِفَةِ إِذَا طَمِثَتْ قَالَ تَرْجِعُ إِلَى بَيْتِهَا وَإِذَا ظَهَرَتْ رَجَعَتْ فَقَضَتْ مَا عَلَيْهَا؛^۱ امام صادق علیه السلام درباره زن معتکفی که خون حیض دیده فرمودند: که به خانه اش بازگردد و زمانی که طاهر شد به مسجد برگردد و آنچه بر گردش است قضا کند.

نمونه سوم: وجوب اعتکاف روز سوم

فقها اعتکاف روز سوم را برای کسی که دو روز در مسجد به اعتکاف گذرانده، واجب دانسته اند و یکی از مستندات این فتوا را روایتی از امام باقر علیه السلام قرار داده اند^۲ که شیخ کلینی رحمه الله در کافی آورده است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِذَا اعْتَكَفَ يَوْمًا وَلَمْ يَكُنْ اشْتَرَطَ فَلَهُ أَنْ يَخْرُجَ وَيُفْسَخَ الْإِعْتِكَافُ وَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ وَلَمْ يَكُنْ اشْتَرَطَ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَفْسَخَ اعْتِكَافَهُ حَتَّى يَمُتِيَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ؛^۳ امام باقر علیه السلام فرمودند زمانی که شخص یک روز را اعتکاف کرد و اگرچه هنگام نیت شرط خروج هم نکرده باشد، می تواند از مسجد خارج شود و اعتکافش را فسخ کند و اگر دو روز را در مسجد ماند و شرط خروج نکرده باشد، نمی تواند اعتکافش را رها کند تا روز سوم هم به پایان برسد.

هم چنین در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام درباره سه روز دوم پس از اتمام سه روز اول چنین آمده است:

وَمَنْ اعْتَكَفَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَهُوَ يَوْمَ الرَّابِعِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ زَادَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ وَإِنْ شَاءَ

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۹.

۲. رک: کشف الرموز، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳. کافی، ج ۴، ص ۱۷۷.

خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يُتِمَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ؛^۱ کسی که سه روز را متعکف باشد، درباره روز چهارم مختار است که در مسجد بماند؛ اگر بخواهد سه روز دیگر را اضافه کند و اگر نخواست از مسجد خارج شود. پس اگر بعد از سه روز اول، دو روز دیگر را در مسجد ماند، نباید از مسجد خارج شود تا سه روز دوم کامل شود.

از کنار هم قراردادن روایات این نکته قابل برداشت است که دوروز اول امکان خروج از مسجد و رها کردن اعتکاف وجود دارد، ولی در روز سوم به هم زدن اعتکاف، مقتضی قضا کردن آن است.^۲

همین نکته که عبادتی مستحب با شروع اختیاری و انجام دادن مقداری از آن، تبدیل به تکلیفی واجب شود، دال بر اهمیت عمل است. جمع بندی دسته چهارم روایات: اعتکاف به دلیل فواید مهمی که دارد و رابطه انسان با معبود را تقویت می کند، به صورت های مختلف مورد عنایت معصومان علیهم السلام بوده و انجام آن جزو شئون ایمانی قرار گرفته است. این که برای عملی، استحباب خاص و مؤکد تشریع شود و برای قطع آن در برخی حالات، کفاره یا قضا لازم گردد نشان دهنده توجه شارع به آن عمل است.

نتیجه گیری

امروزه به دلیل محدودیت مکانی اعتکاف، غالباً این عمل به صورت جمعی انجام می شود. اعتکاف جمعی در صدر اسلام نیز سابقه داشته و مردم به همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه معتکف می شدند. جمعی بودن اعتکاف می تواند تمرینی برای حضور در جمع و در عین حال، توجه به معبود و حضور قلب باشد. سعدی در بیتی زیبا این حالت را توصیف می کند:

هرگز وجود حاضر و غایب شنیده ای

من در میان جمع و دلم جای دیگر است^۳

معتکف در حال اعتکاف از امور دنیایی پرهیز می کند^۴ تا بتواند از فرصت اعتکاف

۱. همان.

۲. رک: مختلف الشیعه، ج ۳، ص ۵۸۱.

۳. کلیات سعدی، ص ۵۴، غزل ۶۳.

۴. رک: الفقیه، باب الاعتکاف، ج ۲، ص ۱۸۴.

اعتکاف نهایت استفاده را برای پاک کردن جان و نزدیک شدن به خدا ببرد. اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان از زمان های دیگر فضیلت بیشتری دارد و شاید هدف از تأکید بر این زمان، درک شب قدر در بهترین مکان و بهترین حالت بندگی باشد.^۱

در آیه ۱۲۵ سوره «بقره» خداوند از حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیه السلام به عنوان خادم معتکفان یاد می کند و به ایشان دستور می دهد که مسجد الحرام را از هر آلودگی مادی و معنوی پاک کنند، تا بندگان در اطراف آن با آرامش خاطر به عبادت خالصانه بپردازند. خدمت به معتکفان، مقامی است که انبیای بزرگی همچون ابراهیم و اسماعیل پیش کسوت آن هستند.

از مجموعه مباحث گذشته روشن شد که اعتکاف به معنی «ملازمت» است و در اصطلاح شرعی «ماندن در مسجد به نیت عبادت و تقرب به خداوند می باشد». اعتکاف عبادتی توقیفی است و در قرآن و روایات جزئیات و شرایط آن بیان شده است تا از مسیر صحیح خارج نشده و معتکف گرفتار انحرافات مانده رهبانیت نشود. در ادیان گذشته نیز عبادتی شبیه اعتکاف وجود داشته که روح مشترک آن با اعتکاف اسلامی، دوری از مظاهر دنیا به منظور توجه به پروردگار است.

در فضیلت اعتکاف چهار دسته روایت قابل شناسایی است که برخی به طور مستقیم، ثواب اعتکاف را معرفی کرده اند، بعضی پاداش عباداتی را با میزان اعتکاف سنجیده اند، گروهی دیگر اعتکاف را سیره پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده اند و دسته چهارم، تدابیری برای اعتکاف ناتمام اندیشیده اند. مجموعه این روایات، فضیلتی را برای اعتکاف تصویر می کند که در کمتر عبادت مستحبی ای وجود دارد.

۱. رک: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۷۲.

کتاب نامه

- قرآن کریم (ترجمه حسین انصاریان، قم: نشر اسوه، اول، ۱۳۸۳ ش).
- الاختصاص، شیخ مفید، قم: المؤتمر العالمی لالفیه شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- ارشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی، قم: الشریف الرضی، اول، ۱۴۱۲ ق.
- الاقبال، سید بن طاووس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۱۴ ق.
- بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت: دار الاحیاء التراث، سوم، ۱۴۰۳ ق.
- التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- تذکره الفقهاء، حسن بن یوسف مطهر اسدی (علامه حلی)، قم: آل البيت، اول، بی تا.
- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سوم، ۱۳۶۴ ش.
- جامع البیان، ابن جریر طبری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- جامع الصغیر، جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۰۱ ق.
- جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محمد حسن نجفی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، هفتم، بی تا.
- ذخیره المعاد، محقق سبزواری، قم: مؤسسه آل البيت، بی تا.
- الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، محقق بحرانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
- ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۹ ق.
- شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، محقق حلی، قم: انتشارات اسماعیلیان، دوم، ۱۴۰۸ ق.
- صحیح البخاری، بخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
- صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- الطبقات الکبری، محمد بن سعد، بیروت: دارصادر، بی تا.
- الطراز الاول والکناز لما علیه فی اللغة العرب المعول، سید علی خان مدنی، مشهد: مؤسسة آل البيت، اول، ۱۳۸۴ ش.

- عدة الداعی، ابن فهد حلی، قم: مکتبه وجدانی، بی تا.
- العمده، ابن بطریق، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
- الفقه على المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت، غروی - جزیری - یاسر مازح، بیروت: دارالثقلین، اول، ۱۴۱۹ق.
- فوائد الاصول، محمد علی کاظمی خراسانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- الفوائد الحائریه، الوحيد البهبهانی، قم: مجمع الفكر الاسلامی، اول، ۱۴۱۵ق.
- الکافی، شیخ کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کامل الزیارات، ابن قولویه، نجف: دارالمرتضویه، اول، ۱۳۵۶ش.
- کتاب العین، خلیل بن احمد الفراهیدی، قم: مؤسسه دارالهجره، دوم، ۱۴۰۹ق.
- کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، حسن بن ابی طالب یوسفی (فاضل آبی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، سوم، ۱۴۱۷ق.
- کفایة الاصول، آخوند خراسانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ششم، ۱۴۳۰ق.
- کلیات سعدی، سعدی شیرازی، انتشارات امین، اول، بی تا.
- کنز العمال، متقی هندی، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
- لسان العرب، ابن منظور، بیروت: دارالفکر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
- مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (علامه حلی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
- مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت: دارصادر، بی تا.
- مجمع البحرين، طریحی، تهران: نشر مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش.
- مصباح الشریعه، منسوب به امام صادق علیه السلام، بیروت: اعلمی، اول، ۱۴۰۰ق.
- المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، احمد بن محمد فیومی، قم: مؤسسه دارالهجره، دوم، ۱۴۱۴ق.
- المعجم الاوسط، طبرانی، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
- معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴ق.
- المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جواد علی، قم: الشریف الرضی، اول، ۱۳۸۰ش.
- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.

- نزهة الناظر وتنبيه الخواطر المعروف به مجموعة الورام، ورام بن ابی فراس، قم: مكتبه فقيهه، اول، ۱۴۱۰ق.
- وسيلة الوصول الى حقائق الاصول، ميرزا حسن سبزواری، قم: مؤسسه نشر اسلامي، اول، ۱۴۱۹ق.
- هداية المسترشدين، محمد تقی رازی، قم: مؤسسه نشر اسلامي، بی تا.